تحلیلی از وضعیت کنونی روسیه و اکراین

هرچند که تا مدتی پیش سیاست آمریکا بر این امر بود که جبهه جنگ اوکراین همینطور فرسایشی و راکد باقی بماندف چون بهترین حالت برای آمریکا این بود که روسیه تحرکات جدیدی به سمت اروپا و ایجاد یک جبهه جدید انجام ندهد ، اما ظاهرا" در دو هفته گذشته این سیاست آمریکا تغییر کرده است ، ارسال تسلیحات دور برد جدید به اکراین از طرف آمریکا و از طرفی هدف قراردادن خاک روسیه توسط اکراین در واقع چیزی جز اعلان جنگ رسمی با مسکو و گسترش جبهه جنگ نیست.

آمریکا به دلایل زیادی مایل بود که در زمستان ، آرامش در خطوط جبهه درگیری ، برقرار باشد زیرا نگران بود که با حمله روسیه به عمق خاک اکراین و حتی کشورهای دیگر خصوصا به سمت نروژ و تخریب تأسیسات گازی این منطقه ، کشورهای اروپایی به سمت یک نوع مصالحه با روسیه یا حتی تسلیم در جنگ تغییر سیاست دهند و این برخلاف سیاست اصلی آمریکا و طرح نابودی اروپا و مبارزه با به اصطلاح اهریمن زدایی روسیه (پوتین)است که در تحلیلی در گذشته آن را بررسی کرده ام، به همین دلیل می بایست با تأمل بیشتری به این رفتار جدید آمریکا دقت کنیم ، قبل از نتیجه گیری لازم ست نگاهی به تغییرات جدید در منطقه و محورهای آتی جنگ در دو محور شرق و غرب ف داشته باشیم.

تحولات دنیا به سرعت غیرقابل انتظاری در حال انجام هست که باعث شده پیش بینی و تحلیل تحرکات دو طرف حتی در میان مدت هم به سختی با واقعیت های آینده مطابقت پیدا کند ولی در اصل سیاست و اهداف دو جبهه و قدرت‌های آن تغییری حاصل نشده است و فقط در جزئیات رقابت شدیدف اقداماتی برای برهم زدن معادلات طرف مقابل، انجام گرفته است ، دلیل اصلی این سرعت زیاد در تحولات ، وجود تعدد بازی‌گردانان در دنیا میباشد.

اگر در گذشته و در جهان تک قطبی فقط حاکمان آمریکا سیاست های کلی را ابلاغ می‌کردند و ملت ها مجبور به انطباق خود با آنها بودند ، امروز قدرت هایی مثل ایران، روسیه، چین و... نظرات خود را به پیش می‌برند، حتی با تضعیف شدن آمریکا شاهد هستیم که قدرت‌های متحد او هم در تصمیم گیری ها تا حدی استقلال عمل پیدا کرده اند و هر روزی که از تضعیف آمریکا

می‌گذرد این تاثیرگذاری پررنگ تر شده و به همین دلیل شاهد افزایش شدید سرعت تغییرات خواهیم بود.

اما تغییر رفتار آمریکا در قبال روسیه را باید از چند نظر بررسی کرد(در کتاب نفت من هویت من به طور کامل در این خصوص توضیح داده ام و به زودی در اختیار خواننده گرامی قرار خواهد گرفت)اولین دلیل آن عدم موفقیت جبهه اکراین و متحدان وی برای ادامه پیروزی ها یا پیشروی هایی بود که به ظاهر نشان از ضعف شدید ارتش روسیه بود، بعد از آنکه روسیه عقب نشینی های گسترده ای انجام داد یک ابزار قوی جدید توسط ایران برای کمک به روسیه به میدان نبرد اضافه شد و تسلیحات ایرانی مخصوصا پهپاد ها با آنکه در تنوع محصول ارائه شده به روسیه کم تعداد بودند ولی تأثیر شدیدی روی معادلات جنگ اعمال کرده اند تا جاییکه عقب نشینی های روسیه را به تثبیت اهداف استراتژیک تصرف شده تبدیل کرد و حتی بعد از آن روسیه دوباره پیشروی های آرام خود را با کمترین تلفات آغاز کرده است ، محور غرب بعد از مشاهده اراده ایران برای ورود به جنگ و جلوگیری از شکست روسیه،متوجه شدند تا زمانی که حمایت نظامی ایران از روسیه ادامه یابد،آنها پیروزی موثری در جبهه روسیه بدست نخواهند آورد و حتی انتظار شکست های بزرگ هم دور از ذهن نیست، بر این اساس پروژه خنثی کردن اثرگذاری ایران در دستور کار قرار گرفت که بخش بزرگی از آن توسط نیروهای تجزیه‌طلب شروع شد ، فرانسه و آلمان به طور رسمی مامور کنترل ایران شده اند و رسما تحرکات خود را در کردستان عراق و بلوچستان پاکستان افزایش دادند ، همزمان شهروندان این دو کشور در داخل ایران و در کف خیابان ها هنگام مدیریت اغتشاشات دستگیر شدند(در اصل سوار بر موج اعتراضات مردم ایران شده و اعتراضات را به اغتشاش تبدیل کرده اند)، از سوی دیگر برای قطع ارتباط زمینی ایران وروسیه در مرزهای شمالی ایران،برخلاف تمایل بخش زیادی از سیاست مداران آمریکایی،این کشور مجدداً با استفاده از کارت ترکیه و جمهوری آذربایجان،دست به یک قمار زدند.

از سوی دیگر جهت ثمربخشی تحریم‌های روسیه، به سمت یک جنگ اقتصادی تمام عیار با چین و ایران به عنوان متحدان اصلی روسیه در دور زدن تحریم ها حرکت کردند ، در بخش اروپا هم محور غرب به سراغ متحدان و کشورهای متمایل به روسیه رفته است که دو کشور صربستان و بلاروس بیشترین تهدیدات و فشار های وارده را تحمل می‌کنند.

درواقع آمریکا برای جلوگیری از حرکت و پیشروی زمینی روسیه به عمق خاک اروپا و یا به سمت مراکز انرژی کشورهای ساحل دریای بالتیک، در پی ایجاد جبهه های جدیدی در دو منطقه بالکان و مرزهای لهستان است و با این کار ابتکار عمل احتمالی روسیه را از او گرفته و شاید با مشغول شدن متحدان روسیه، این کشور در فصل زمستان هم‌چنان زمین گیر باشد.

باید توجه داشت که زمستان برای روسیه یک فرصت طلایی جهت گذر از سد اکراین و خط مقدم پر از تسلیحات ارسالی ناتو است.

از آنجایی که زمین های اکراین در اکثر روزهای سال گل آلود و باتلاقی شکل هست،پیشروی ادوات زرهی و خودروهای روسیه را در خارج از مسیر اصلی جاده ها را با مشکل مواجه میکند و حرکت ستون های زرهی روسیه در جاده ها ، آنان را به سیبل های متحرک و آسان برای جبهه مقابل تبدیل می‌کند که در ابتدای جنگ ، روسیه بیشترین تلفات خود را از این مدل حمل و نقل دیده است.

در زمستان با یخ زدن این زمین های باتلاقی و بستر های نرم گِلی، بهترین فرصت برای روسیه است که به سرعت یک تهاجم همه جانبه را برای تصرف چند نقطه استراتژیک مثل پایتخت اکراین وبعد از آن دور زدن استحکامات جبهه جنوبی و تصرف تمامی سواحل دریای سیاه میباشد، (جبهه مقابل تایید می‌کند که در ابتدای جنگ،روسیه بیشترین تلفات خود را از این مدل حمل و نقل تحمل کرده است)، غیر از آن تخریب زیرساخت های اکراین فشار قابل توجهی به مردم این کشور وارد کرده است که در این چند هفته شاهد اعتراضات گسترده مردمی خصوصا در شهرهای بزرگ مثل اودسا بوده ایم و در زمستان این فشار بر مردم بسیار بیشتر خواهد شد و از هم اکنون زمزمه هایی مبنی بر اشتباه جنگ با روسیه بجهت تصمیمات غلط زلنسکی برای منافع اروپا، در حال گسترش است که البته هر اعتراضی به شدت توسط نیروهای نازی مقیم در اوکراین سرکوب می‌شود.

جابجایی مقادیر زیادی از تجهیزات نظامی و ادوات جنگی از چند هفته پیش به جبهه های اکراین و همچنین حملات اکراین به مناطق تازه جدا شده از این کشور باعث شده روسیه هر چه بیشتر به یک تهاجم نهایی سراسری فکر کند، زیرا برخلاف گذشته که هزینه اصلی طولانی شدن جنگ به اتحادیه اروپا وارد می‌شد،از این به بعد این سیاست باعث افزایش هزینه های روسیه به صورت تصاعدی خواهد شد.

درنهایت تغییر سیاست آمریکا در افزایش میزان حجم تسلیحات اهدایی به اکراین را می‌توان در چند دلیل خلاصه کرد:

* درگیر کردن روسیه و جلوگیری از حمله سراسری در زمستان.

* افزایش فشار به روسیه و مردم این کشور به همراه جنگ روانی شدید که در آن از شکست روسیه و فرار رهبران روسیه تاکید می‌شود.

* افروختن آتش جنگ در جبهه های مختلف اکراین جهت فشار بیشتر به کشورهای اروپایی و برهم زدن معادلات آنها به جهت احیای اقتصاد و ارتش خود خارج از پیمان های مشترک با آمریکا.

* انتقال نقاط بحرانی به سمت شرق و داخل قاره آسیا در اطراف مرزهای غربی و جنوب غربی روسیه و شمال غربی ایران.

* افزایش فشار بر کشورهای اروپایی و افزایش فشارهای ناشی از نارضایتی مردم بر دولت های این کشورها ، خصوصا کشورهای اروپای مرکزی و نزدیک شدن هرچه بیشتر آنها به آمریکا.

* گسترش میزان بحران ناشی از جبهه های جدید جنگ در مناطق وسیعی از آسیا و اروپا و بعدا آفریقا به جهت افزایش سرعت جابجایی سرمایه ها به آمریکا و جلوگیری ازحرکات چین.

* افزایش اشتباهات تصمیم گیران در مسکو به دلیل افزایش فشار ناشی از تلفات داخلی جنگ.

* ایجاد نارضایتی های جدید مردمی در روسیه و آمادگی جهت بهره برداری از سلاح اجتماعی و....

بجز دلایل فوق می‌توان دهها دلیل دیگر دخیل در تهاجمی تر شدن سیاست آمریکا را نام برد، باید دید نحوه پاسخگویی روسیه و ایران و کلا محور شرق به این تغییر سیاست آمریکا و تهاجمی شدن جبهه جنگ چیست؟

براساس مدل رفتاری طرفین در نیمه اول دی ماه،می‌توانیم به مدل های محاسباتی جدیدی در تحلیل و پیش بینی اتفاقات آتی،خصوصا در فصل زمستان برسیم.

با تشکر از همراهی شما

دکتر مسیح رضوانی